پژوهشگاه
فضای مجازی

دفتر خاکستری ۱۵

پاسخ سریع
تیرماه ۱۴۰۴

هم‌پوشانی تنظیم‌گری در فضای مجازی

پاسخ به سوال مطرح شده از سوی معاونت تنظیم مقررات مرکز ملی فضای مجازی


بسم الله الرحمن

هم‌پوشانی تنظیم‌گری در فضای مجازی

پاسخ به سوالات مطرح شده از کمیسیون تنظیم مقررات

دفتر خاکستری (Quick Answer) **شمارهٔ پانزدهم**

نویسنده: علی حکیم‌سیما

تمام حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشگاه فضای مجازی است و استفاده از آن تنها با ذکر منبع مجاز است.
همچنین محتوای منتشرشده در این گزارش بیانگر دیدگاه رسمی مرکز ملی فضای مجازی نیست.

نشانی: تهران، سعادت آباد، خیابان علامه شمالی، کوچه هجدهم غربی، پلاک ۱۷
تلفن: ۲۲۰۷۳۰۳۱-۰۲۱
کد پستی: ۱۹۹۷۹۸۷۶۲۹

خلاصه‌ی مدیریتی

۱. بازیگران اصلی تنظیم‌گری فضای مجازی چه نهادهایی هستند؟

نظام تنظیم‌گری فضای مجازی در ایران متشکل از مجموعه‌ای متنوع از نهادهای حاکمیتی، اجرایی، نظارتی و مردمی است و در رأس آن، مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نهاد قانون‌گذار عمل می‌کند. شورای‌عالی فضای مجازی نقش سیاست‌گذار کلان فرادستگاهی را ایفا می‌نماید و مرکز ملی فضای مجازی به‌عنوان بازوی اجرایی شورا عمل می‌کند؛ در سطوح تخصصی، وزارت ارتباطات و کمیسیون تنظیم مقررات، وظایف مرتبط با زیرساخت‌های شبکه‌ای و فنی را بر عهده دارند، وزارت ارشاد و ساترا در حوزه محتوایی فعال‌اند، قوه قضائیه و نهادهای امنیتی ضامن اجرای ضوابط حقوقی هستند، شورای رقابت بر ساختار بازار دیجیتال نظارت می‌کند و در کنار این ساختار رسمی، بخش خصوصی، شرکت‌های فناوری و سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان ذی‌نفعان کلیدی و بالقوه نقش مکمل و فزاینده‌ای در فرایند حکمرانی ایفا می‌نمایند.

۲. منشأ قانونی اختیارات این نهادها چیست؟

اختیارات نهادهای سیاست‌گذار و تنظیم‌گر فضای مجازی از منابع گوناگون قانونی و فرادستی از جمله احکام رهبری (تشکیل شورای‌عالی فضای مجازی و مرکز ملی)، مصوبات مجلس (قوانین

جرایم رایانه‌ای، تجارت الکترونیکی، اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون مطبوعات)، مصوبات هیئت وزیران (سازمان تنظیم مقررات)، و ابلاغیه‌های شورای انقلاب‌فرهنگی و شورای نگهبان ناشی می‌شود. این تنوع منابع حقوقی در عین تأمین جامعیت موضوعی، به دلیل فقدان تنقیح یکپارچه و مرزگذاری دقیق، زمینه‌ساز تداخل، برداشت‌های متعارض و تعارض در اجرا میان نهادها شده است.

۳. جایگاه و ارتباطات میان این بازیگران چگونه است؟

مدل مفهومی حکمرانی فضای مجازی در ایران، ساختاری چندلایه، متداخل و فاقد انسجام عملیاتی است. در این ساختار، مجلس در جایگاه قانون‌گذار، شورای عالی فضای مجازی به‌عنوان سیاست‌گذار کلان و مرکز ملی فضای مجازی در نقش هماهنگ‌کننده قرار دارند؛ درحالی‌که وزارتخانه‌ها، رگولاتورها و نهادهای نظارتی و امنیتی در سطوح بخشی ایفای نقش می‌کنند. با وجود برقراری ارتباطات عمودی و افقی میان این نهادها، نبودِ یک سازوکار عملیاتیِ هماهنگ، چالش‌هایی جدی مانند موازی‌کاری، تقابل نهادی و خلأهای اجرایی را به وجود آورده است. این وضعیت، در نهایت مانع شکل‌گیری یک حکمرانی منسجم و پاسخ‌گو می‌شود.

۴. مهم‌ترین تعارضات و تداخل‌های نهادی کدام‌اند؟

تعارضات موجود عمدتاً ناشی از هم‌پوشانی مأموریت‌های قانونی و برداشت‌های متفاوت نهادی از صلاحیت‌هاست؛ برای نمونه، ساترا و وزارت ارشاد هر دو مدعی نظارت بر محتوای رسانه‌ای هستند، شورای انقلاب‌فرهنگی و شورای‌عالی فضای مجازی مصوبات متعارض در حوزه رسانه‌های آنلاین دارند، دستگاه قضایی با نهادهای اقتصادی در اجرای سیاست‌های امنیتی دچار تنش می‌شود، و نبود رگولاتور مستقل باعث شده برخی نهادها هم تنظیم‌گر باشند و هم بازیگر اصلی بازار (نظیر صداوسیما در برابر پلتفرم‌ها). افزون بر این، ضعف هماهنگی بین نهادی، کندی فرایند تقنین، خلأهای تقنینی در حوزه‌های نوظهور، و عدم مشارکت کاربران و بخش خصوصی در سیاست‌گذاری، همگی موجب ناکارآمدی، بی‌اعتمادی و کاهش اثربخشی مقررات جاری شده‌اند.

۵. چه راهکارهایی برای اصلاح ساختار موجود پیشنهاد می‌شود؟

برای برون‌رفت از وضعیت فعلی، پنج راهکار کلیدی پیشنهاد می‌شود: نخست، تنقیح قوانین متعارض

و تدوین یک چارچوب حقوقی جامع برای تعیین دقیق حدود اختیارات نهادها؛ دوم، بازتعریف نهادهای سیاست‌گذار عالی (نظیر شوراهای عالی موازی) در قالب یک مرجع فرادستگاهی؛ سوم، اصلاح ساختار تنظیم‌گران بخشی با ایجاد یک تنظیم‌گر واحد یا مدل هماهنگی میان سازمانی؛ چهارم، نهادینه‌سازی مشارکت ذی‌نفعان خصوصی، صنفی و مردمی در فرایند سیاست‌گذاری، اجرا و ارزیابی؛ و پنجم، تشکیل یک نهاد هماهنگ‌کننده فرابخشی با اختیارات قانونی لازم برای مدیریت تعارضات، پیگیری اجرا، و تضمین حرکت هماهنگ تمامی اجزای حکمرانی دیجیتال. این اقدامات، در صورت طراحی دقیق و اجرای قاطع، می‌توانند نظام حکمرانی فضای مجازی کشور را به سمت انسجام، مشروعیت و کارآمدی سوق دهد.

مقدمه

فضـای مجـازی به‌عنـوان بسـتری نویـن و پیچیـده در عرصـه فنـاوری اطلاعـات، نهادهـا و دسـتگاه‌های متعـددی را در فراینـد تنظیـم‌گری خـود درگیـر کـرده اسـت. ایـن تنـوع بازیگـران کـه شـامل نهادهـای قانون‌گـذاری، سـازمان‌های اجرایـی و مراجـع نظارتـی می‌شـود، در غیـاب یـک نقشـه راه روشـن و سـازوکار هماهنـگ، زمینه‌سـاز مـوازی‌کاری و تداخـل وظایـف خواهـد بـود؛ بنابرایـن شناسـایی دقیـق نقش‌هـا و محـدوده اختیـارات هر بازیگـر، نخسـتیـن گام بـرای افزایـش کارآمـدی حکمرانـی بـر فضـای مجـازی اسـت. تجربیـات بین‌المللـی نشـان می‌دهـد تدویـن یـک سـند تنظیـم‌گری جامـع و هم‌افـزا می‌توانـد بـا تعریـف مرزهـای شـفاف عملکـردی و ایجـاد سـازوکارهای هماهنـگ کننـده، از تعارضـات سـازمانی جلوگـیری کـرده و بهـره‌وری سیسـتم تنظیـم‌گری را بهبـود بخشـد. ایـن پژوهـش بـا هـدف ارائهی چارچوبی منسـجم بـرای سـند مذکـور و به‌منظور بسترسـازی بـرای حکمرانیِ کارآمـد و هدفمنـد در فضـای مجـازی کشـور انجـام شـده اسـت. بـرای دسـتیابی بـه ایـن هـدف، از رویکـردی ترکیبـی بـا نگاهـی تطبیقی-تحلیلـی بهـره گرفتـه شـد کـه شـامل مصاحبـه بـا خبـرگان سیاسـت‌گذاری، تحلیـل اسـناد بالادسـتی (قوانیـن، سیاسـت‌ها و مـقررات) و بررسـی تطبیقیِ تجـارب داخلـی و بین‌المللـی اسـت تـا پیشـنهادهای نهایـی از پشـتوانهی نـظری و عملـی کافـی برخـوردار باشـند.

۱.بازیگران اصلی سیاست‌گذاری در فضای مجازی و فناوری اطلاعات در ایران

در کشور ایران، بازیگران اصلی سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری فضای مجازی و فناوری اطلاعات را می‌توان به دو دسته کلی دولتی و غیردولتی تقسیم کرد. در بخش دولتی، شورای‌عالی فضای مجازی به‌عنوان نهادی فرادستگاهی مسئول تعیین سیاست‌های کلان و تصویب مصوبات زیرساختی است و مرکز ملی فضای مجازی به‌عنوان بازوی اجرایی و کارشناسی آن، آیین‌نامه‌های اجرایی را تدوین و پیگیری می‌کند. وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز سیاست‌گذار اصلی در حوزه زیرساخت‌های ارتباطی محسوب می‌شود و کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات به‌عنوان رگولاتور این وزارت، وظیفه صدور پروانه‌ها و تنظیم بازار خدمات ارتباطی را بر عهده دارد.

سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی نیز در مدیریت فرکانس و طیف رادیویی نقش اساسی دارد. در حوزه محتوایی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر تولید و نشر محتوا نظارت می‌کند و سازمان صداوسیما همراه با ساترا، مسئول پالایش و حذف محتوای صوتی - تصویری مجرمانه هستند. علاوه بر این، شورای رقابت در مسائل مرتبط با انحصار و رقابت پلتفرم‌های دیجیتال و کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه در زمینه‌ی فیلترینگ جایگاه ویژه‌ای دارد. دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی نیز سیاست‌های حقوقی و امنیتی را اجرا می‌کنند. در میان بازیگران غیردولتی، بخش خصوصی شامل شرکت‌های فناوری، اپراتورها و پلتفرم‌ها به‌عنوان ذی‌نفعان بازار دیجیتال حضور دارند و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز به‌عنوان نمایندگان کاربران فضای مجازی می‌توانند در فرایند سیاست‌گذاری مشارکت داشته‌باشند.

قانون‌گذاری کلان (مجلس شورای اسلامی)

مجلس شورای اسلامی رکن قانون‌گذار اصلی کشور است و از طریق تصویب قوانین، چارچوب‌های حقوقی حوزه فضای مجازی را تعیین می‌کند. طی دو دهه‌ی گذشته، مجلس قوانین پایه‌ای متعددی از جمله قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (مصوب ۱۳۷۹)، قانون تجارت الکترونیکی (۱۳۸۲) و قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸) در این حوزه وضع کرده است. این قوانین، نخستین بنیان‌های حقوقی برای فعالیت‌های دیجیتال، تعاملات برخط و مقابله با جرایم سایبری را بنا نهادند. بااین‌حال، سرعت تحول فناوری و ظهور پدیده‌های نوینی نظیر پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی،

رمزارزها و هوش مصنوعی باعث ایجاد خلأهای قانونی شده است. کارشناسان معتقدند چارچوب قانون‌گذاری موجود پاسخ‌گوی کامل شرایط جدید نیست و نیاز به بروزرسانی دارد. بر همین اساس، قویاً توصیه می‌شود که دولت با ارائه‌ی به‌موقع «لوایح» و مجلس با تصویب «قوانین» متناسب، در همکاری با نهادهای تخصصی، هرچه سریع‌تر چارچوب حقوق و تکالیف بازیگران را در عرصه‌های نوظهور روشن سازند.

قانون علاوه بر تنظیم روابط مردم، وظایف و حدود اختیارات نهادهای حکمرانی را نیز تعیین و از تداخل مأموریت‌ها جلوگیری می‌کند. نمونه‌ای از قانون‌گذاری مؤثر مجلس، قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸ است که ضمن تعریف جرایم سایبری، ایجاد کارگروه مشخصی برای پالایش محتوای مجرمانه در فضای مجازی را مقرر کرد. به‌طورکلی، مجلس با قانون‌گذاری کلان نقش زیربنایی در نظام تنظیم‌گری فضای مجازی دارد و مصوبات آن مبنای فعالیت سایر نهادها قرار می‌گیرد. البته در سال‌های اخیر مباحثی پیرامون طرح‌هایی نظیر «طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» نیز در مجلس مطرح شد که به دلیل پیچیدگی موضوع و واکنش‌های اجتماعی سرنوشت پُرفراز و نشیبی داشته‌اند.[۱]

سیاست‌گذاری فرا قوه‌ای (شورای‌عالی فضای مجازی)

شورای‌عالی فضای مجازی عالی‌ترین نهاد سیاست‌گذار در حوزه‌ی فضای مجازی ایران است که فراتر از قوای سه‌گانه عمل می‌کند. این شورا به دستور مقام معظم رهبری در اسفند ۱۳۹۰ تشکیل شد تا مسئولیت سیاست‌گذاری کلان و مدیریت فضای مجازی کشور را بر عهده بگیرد. ترکیب شورای‌عالی نشان‌دهنده‌ی ماهیت فرا قوه‌ای آن است؛ رئیس‌جمهور ریاست شورا را بر عهده دارد و رؤسای قوای مقننه و قضائیه، رئیس سازمان صداوسیما، وزرای کلیدی دولت (مانند ارتباطات، فرهنگ و ارشاد، اطلاعات، دفاع و...)، دبیر شورا (رئیس مرکز ملی فضای مجازی)، دادستان کل کشور، فرماندهان نیروهای مسلح (سپاه پاسداران و فرمانده کل انتظامی) و برخی نهادهای حاکمیتی در آن عضویت دارند. حضور سران قوا و مقامات ارشد در شورای‌عالی، جایگاه بالادستی مصوبات شورا را تضمین می‌کند. مصوبات این شورا پس از تأیید مقام معظم رهبری در حکم قانون بوده و برای همه دستگاه‌ها لازم‌الاجراست (این موضوع با تأیید شورای نگهبان نیز همراه شده است). وظیفه‌ی اصلی شورای‌عالی،

---

۱. https://ictnews.ir/security/اولویت-دولت-بر-مجلس-برای-قانونگذاری-فض

تعیین راهبردها و سیاست‌های کلان در حوزه‌ی فضای مجازی، تصویب اسناد بالادستی (مانند طرح کلی شبکه ملی اطلاعات، سیاست‌های حاکم بر پیام‌رسان‌ها و...)، و تصویب تشکیل نهادهای هماهنگ‌کننده است. کارشناسان تأکید دارند شورای‌عالی باید سکان‌دار سیاست‌گذاری کلان باشد و از ورود مستقیم به مقرره‌گذاری یا امور اجرایی پرهیز نماید؛ چراکه انحراف از مأموریت اصلی شورا موجب ظهور مراکز سیاست‌گذاری موازی در کشور شده است. به بیان دیگر، شورای‌عالی باید با تعیین خط‌مشی‌ها، نقش راهبر را ایفا کند و اجرای جزئیات را به نهادهای ذیل خود و دستگاه‌های اجرایی بسپارد.

هماهنگی و اجرا (مرکز ملی فضای مجازی)

مرکز ملی فضای مجازی به‌عنوان بازوی اجرایی، نظارتی و دبیرخانه‌ی شورای‌عالی فضای مجازی عمل می‌کند. رئیس مرکز ملی همان دبیر شورای‌عالی است که از سوی رهبر انقلاب منصوب می‌شود و مسئول پیشبرد مصوبات شورا در دستگاه‌های کشور است. مرکز ملی باهدف ایجاد هماهنگی میان تمامی نهادهای دخیل در فضای مجازی تأسیس شده و وظایف مشخصی بر عهده دارد. این وظایف عبارتند از:

نظارت بر اجرای مصوبات شورای‌عالی: حصول اطمینان از اجرای سیاست‌ها و مصوبات کلان شورا توسط وزارتخانه‌ها و نهادهای مسئول.

تدوین نقشه جامع توسعه فضای مجازی: طراحی و معماری کلان فضای مجازی کشور (از جمله طرح‌هایی چون شبکه ملی اطلاعات) و پیشنهاد بودجه‌ها و پروژه‌های اولویت‌دار.

تقسیم کار ملی و هماهنگی بین دستگاهی: توزیع وظایف بین دستگاه‌های مختلف (وزارتخانه‌ها، قوه قضائیه، نیروهای نظامی و ...) در حوزه‌های گوناگون فضای مجازی به‌نحوی‌که از تداخل یا خلأ مأموریتی جلوگیری شود. به‌عنوان نمونه، مرکز ملی در سال‌های اخیر با تشکیل کمیسیون‌های تخصصی، وظایف تنظیم‌گری بخش‌های مختلف (مانند کمیسیون عالی تنظیم مقررات) را میان نهادهای مربوطه ساماندهی کرده است.

پایش و رصد فضای مجازی: ارزیابی مستمر وضعیت فضای مجازی کشور و شناسایی چالش‌های نوظهور؛ این کار از طریق مرکز و بازوی پژوهشی آن یعنی پژوهشگاه فضای مجازی انجام می‌شود.

تعاملات بین‌المللی: حضور فعال در مجامع جهانی مرتبط با اینترنت و حکمرانی سایبری برای صیانت از منافع کشور و مشارکت در تصمیم‌سازی‌های جهانی.
امنیت و دفاع سایبری: هدایت و مدیریت اقدامات دفاعی جهت حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی کشور در برابر حملات و جنگ‌های سایبری (این مأموریت با همکاری نیروهای مسلح و سازمان پدافند غیرعامل انجام می‌شود).
به بیان دیگر مرکز ملی فضای مجازی نقش محور هماهنگی عمودی و افقی را بر عهده دارد؛ یعنی از یک سو سیاست‌های کلان شورای‌عالی را به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ و اجرای آنها را پیگیری می‌کند (تعامل عمودی)، و از سوی دیگر میان دستگاه‌های هم‌سطح (مثلاً بین چند وزارتخانه یا بین قوا) برای حل اختلافات یا پیشبرد پروژه‌های مشترک، میانجی‌گری و هماهنگی افقی انجام می‌دهد. برای نمونه، در طراحی و اجرای شبکه ملی اطلاعات که ابعاد فنی (وزارت ارتباطات)، فرهنگی (وزارت ارشاد)، امنیتی (وزارت اطلاعات و نهادهای نظامی) و اقتصادی (وزارت اقتصاد) دارد، مرکز ملی تقسیم کار و زمان‌بندی اقدامات را بین دستگاه‌ها تنظیم نموده است.

تنظیم زیرساخت‌های شبکه و ارتباطات (وزارت ارتباطات و سازمان تنظیم مقررات)

توسعه و تنظیم‌گری زیرساخت‌های ارتباطی و شبکه‌ای کشور عمدتاً بر عهده وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و نهادهای تابعه آن است. این وزارتخانه، متولی توسعه شبکه‌های مخابراتی، اینترنت و فناوری اطلاعات در کشور بوده و سیاست‌گذاری در حوزه‌هایی نظیر گسترش پهنای‌باند، ارتقای فناوری شبکه (مانند 5G)، پروژه‌های کلانی چون شبکه ملی اطلاعات و مدیریت بخش‌های پستی و ماهواره‌ای را بر عهده دارد. سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی به‌عنوان نهاد تخصصی تنظیم‌گر فنی مخابرات و ارتباطات عمل می‌کند و وظیفه اصلی آن، نظارت بر کیفیت خدمات و تعرفه‌ها در بخش مخابرات و فناوری اطلاعات و تضمین رقابت سالم در بازار ارتباطات است. وزارت ارتباطات علاوه بر نقش توسعه‌ای، وظیفه دارد سیاست‌های بالادستی مصوب شورای‌عالی و مرکز ملی را در حوزه زیرساخت اجرا و پیاده‌سازی کند.
این وزارتخانه از طریق شرکت‌ها و سازمان‌های تابعه (مانند شرکت ارتباطات زیرساخت، شرکت ملی پست و سازمان فناوری اطلاعات ایران)، زیرساخت فنی اینترنت ملی را گسترش داده و بر اتصالات

بین‌المللی، مدیریت ترافیک اینترنت و توزیع پهنای باند نظارت دارد. همچنین تنظیم مقررات فنی برای اپراتورها (مانند مقررات استفاده از طیف فرکانسی و استانداردهای تجهیزات ارتباطی) توسط این وزارتخانه/سازمان انجام می‌شود.

در کنار رگولاتوری بخشی ارتباطات، شورای رقابت نیز در حفظ رقابت بازار دیجیتال نقش مکمل دارد (که در بخش مربوط به خود تشریح خواهد شد). به طور خلاصه، وزارت ارتباطات و سازمان تنظیم مقررات، تنظیم‌گران بخش ارتباطات فضای مجازی ایران هستند که با رویکردی فنی - اقتصادی از منافع مصرف‌کنندگان (دسترسی باکیفیت و قیمت منصفانه) و حاکمیت (توسعه شبکه ملی و اعمال حاکمیت بر ترافیک داده) حفاظت می‌کنند.[۲]

تنظیم محتوا و رسانه‌های دیجیتال (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ساترا)

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان نهاد متولی امور فرهنگی و رسانه‌ای کشور، در حوزه فضای مجازی و نظارت بر فعالیت رسانه‌های برخط وظایفی از قبیل صدور مجوز برای پایگاه‌های خبری (طبق قانون مطبوعات) و پایش و ارزیابی محتوای فرهنگی در فضای مجازی کشور را بر عهده دارد. مرکز توسعه‌ی فرهنگ و هنر در فضای مجازی در ساختار وزارت ارشاد مسئول سیاست‌گذاری و سامان‌دهی فعالیت‌های فرهنگی - رسانه‌ای دیجیتال است. با افزایش نفوذ اینترنت، وزارت ارشاد کوشیده است مقرراتی را برای محتوای برخط (نظیر ثبت سامانه‌های دیجیتال، اعطای «شامد» یا شناسنامه الکترونیکی به وبگاه‌ها و...) و مشابه نظارت بر نشریات و مطبوعات، اعمال کند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تصریح کرده نظارت قانونی بر محتوای شبکه‌های نمایش خانگی (ویدئوهای درخواستی آنلاین) از وظایف قانونی این وزارتخانه است و بارها خواستار تعیین تکلیف روشن حوزه‌ی پلتفرم‌های نمایش خانگی شده است. بااین‌حال، در سال‌های اخیر به‌موجب تفسیر اصل ۴۴ قانون اساسی توسط شورای نگهبان (مبنی بر انحصار پخش فراگیر صوت و تصویر برای سازمان صداوسیما)، سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی (معروف به ساترا) تأسیس شد تا نقش رگولاتور پلتفرم‌های رسانه‌ای برخط را ایفا کند.

---

۲. https://abrishahr.ir/۱۶۰۹/%D۸%AA%D۸%۸۶%۹D%۸B%۸DB۸%C%D%-۸۵%۹DA%AF%D%۸B%۱DB۸%C-%D%۸۱%۹D%۸B%۶D%۸A%YDB۸%C-%D%۸۵%۹D%۸AC%D%۸A%YD%۸B%۲DB۸%C/

ساترا زیرمجموعه‌ی سازمان صداوسیما و مسئول صدور مجوز و نظارت بر فعالیت پلتفرم‌های صوتی و تصویری آنلاین است. به‌عنوان نمونه، ساترا در بهمن ۱۴۰۰ به یک ادعای کپی‌برداری در سریال پخش‌شده از یک پلتفرم نمایش خانگی رسیدگی و پس از بررسی کارشناسی، رأی به عدم تخلف و ادامه پخش سریال داد. هرچند ساترا از منظر قانونی متکی به جایگاه صداوسیما و مصوبات شورای‌عالی فضای مجازی است، اما در عمل با چالش‌هایی در اعمال اقتدار خود بر پلتفرم‌های خصوصی مواجه بوده است. تعارض منافع ساختاری یکی از علل این چالش‌ها است؛ صداوسیما خود در مقام مالک رسانه‌های سنتی و رقابت با پلتفرم‌های نوظهور قرار دارد و هم‌زمان تنظیم‌گر آنها نیز شده است. بسیاری معتقدند نمی‌توان از ساتراکه بخشی از صداوسیما و در حقیقت رقیب پلتفرم‌های نمایش خانگی است، انتظار نظارت منصفانه داشت؛ چراکه موقعیت متعارض، مانع تعامل سازنده میان تنظیم‌گر (ساترا) و فعالان بخش خصوصی شده است.

بدین ترتیب، حوزه تنظیم‌گری محتوا و رسانه‌های دیجیتال در ایران میان دو قطب اصلی توزیع شده است: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که رویکرد فرهنگی و حمایتی به محتوای فضای مجازی دارد و خود را متولی قانونی این بخش می‌داند، و در مقابل سازمان ساتراکه با رویکرد حاکمیتی و صیانتی بر محتوای صوت و تصویر آنلاین نظارت می‌کند.

این دو نهاد در سال‌های اخیر بر سر حدود صلاحیت خود دچار اختلافات جدی بوده‌اند که تاکنون به طور کامل حل‌وفصل نشده است. هنرمندان و فعالان صنعت سامانه‌های ویدئویی عمدتاً نظارت وزارت ارشاد را ترجیح می‌دهند، اما تا زمانی که مسئله‌ی انحصار رسانه‌ای صداوسیما در قانون اساسی پابرجاست، تعیین مرز اختیارات این دو تنظیم‌گر محتوا چالش‌برانگیز خواهد بود.

علاوه بر وزارت ارشاد و ساترا، سازمان تبلیغات اسلامی نیز به‌عنوان نهادی حاکمیتی در عرصه محتوا فعال است (مثلاً نظارت بر محتوای مذهبی و تبلیغی فضای مجازی) و در ترکیب برخی شوراهای عالی حضور دارد. همچنین کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه (که در بخش آتی توضیح داده می‌شود) یک سازوکار قضایی - اجرایی برای پالایش محتواهای غیرقانونی و خلاف موازین است و از

ارکان مهم تنظیم‌گری محتوای فضای مجازی محسوب می‌شود.[۴۳]

امنیت و اجرای ضوابط قانونی (قوه قضائیه و نهادهای امنیتی)

حفظ امنیت فضای مجازی و اجرای قوانین در این حوزه، بر عهده‌ی قوه‌ی قضائیه و دستگاه‌های امنیتی و انتظامی کشور است. این بخش از تنظیم‌گری بیشتر جنبه‌ی نظارتی و قضایی دارد و شامل شناسایی، برخورد و رسیدگی به تخلفات و جرایم سایبری و همچنین تضمین اجرای مقررات فضای مجازی می‌شود. مهم‌ترین بازیگران این حوزه عبارت‌اند از:

قوه‌ی قضائیه و دادستانی کل کشور:

قوه‌ی قضائیه از طریق دادسراها و محاکم قضایی به پرونده‌های جرایم رایانه‌ای رسیدگی می‌کند و با صدور احکام قضایی، ناقضان قوانین فضای مجازی را مجازات یا ملزم به تمکین می‌نماید. علاوه بر این، مطابق ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸، کارگروه ویژه‌ای تحت‌نظر دادستان کل کشور برای نظارت بر فضای مجازی و پالایش (فیلتر) محتوای مجرمانه تشکیل شده است. این کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه متشکل از ۱۲ عضو از دستگاه‌های مختلف (دادستان کل به‌عنوان رئیس، نمایندگان چندین وزارتخانه از جمله ارتباطات و ارشاد، نمایندگان قوه قضائیه و مجلس، فرمانده نیروی انتظامی، رئیس صداوسیما و...) است.

این کارگروه هر دو هفته تشکیل جلسه داده و مصادیق محتوای غیرقانونی را تعیین و ابلاغ می‌کند؛ سپس دستور فیلتر یا مسدودسازی وبگاه‌ها و شبکه‌های دارای آن محتوا توسط مراجع فنی (وزارت ارتباطات و اپراتورها) اجرا می‌شود. فهرست مصادیق شامل موضوعاتی نظیر محتوای ضداخلاقی، ضدامنیت و نظم عمومی، توهین به مقدسات، محتوای مرتبط با جرایم رایانه‌ای، قاچاق، قمار، موارد علیه کودکان و... است که تاکنون در ۱۵ دسته و ۱۱۵ مورد احصاء شده‌اند. این کارگروه نمونه‌ای از تنظیم‌گری مشترک قضایی - اجرایی است که طیف وسیعی از نهادها را برای صیانت از ارزش‌های قانونی در فضای مجازی دور یک میز قرار داده است.

پلیس فضای تبادل اطلاعات (پلیس فتا): پلیس فتا واحد تخصصی نیروی انتظامی (فراجا) در امور

---

۳. https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news۹۳۱۰۳۶-

۴. https://www.ibna.ir/news/۳۳۴۲۰۲

سایبری است که مسئول برقراری نظم و امنیت در فضای مجازی و مبارزه با جرایمی نظیر کلاهبرداری اینترنتی، سرقت و جعل داده‌ها، هک و نفوذ، جرایم سازمان‌یافته رایانه‌ای و مانند آن است. این یگان در سال ۱۳۸۹ تشکیل شده و با پایش مستمر شبکه‌های اجتماعی و فضای آنلاین، مجرمان سایبری را شناسایی و دستگیر می‌کند. بر اساس اظهارات رئیس پلیس فتا، تأمین امنیت عمومی و آسایش فردی کاربران در فضای مجازی بر عهده‌ی این سازمان است. پلیس فتا علاوه بر برخورد پسینی با جرایم، اقدامات پیشگیرانه (آموزش همگانی، هشدارهای امنیتی و...) نیز انجام می‌دهد و نقش بازوی اجرایی قوه قضائیه در اجرای احکام مسدودسازی یا سایر دستورات قضایی مرتبط با فضای سایبری را ایفا می‌کند.

نهادهای اطلاعاتی و نظامی: سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات دو نهاد امنیتی اصلی کشورند که در حوزه فضای مجازی بر تهدیدات کلان امنیتی و سیاسی تمرکز دارند. این نهادها با بهره‌گیری از واحدهای تخصصی (مانند مرکز جرائم سازمان‌یافته سایبری سپاه) به رصد فعالیت‌های ضدامنیتی در فضای مجازی (از قبیل شبکه‌های معاند، جاسوسی سایبری، سازمان‌دهی آشوب‌ها یا تروریسم سایبری) می‌پردازند و در صورت لزوم عملیات شناسایی و برخورد را انجام می‌دهند. نقش این نهادها بیشتر در لایه‌های پنهان حکمرانی سایبری است و برای حفظ امنیت ملی در فضای مجازی تلاش می‌کنند. علاوه بر این، سازمان پدافند غیرعامل (زیر نظر ستاد کل نیروهای مسلح) با رویکرد دفاع غیرنظامی وظیفه مقاوم‌سازی زیرساخت‌های حیاتی (بانکی، انرژی، مخابرات و...) در برابر حملات سایبری دشمن را بر عهده دارد و رئیس آن عضو شورای‌عالی فضای مجازی است.

سایر ضابطان و مجریان: در کنار موارد فوق، بخش‌های دیگری نیز در اجرای مقررات سایبری نقش دارند. به‌عنوان‌مثال، دادستانی‌های استانی و پلیس اماکن می‌توانند در برخورد با تخلفات محلی در فضای مجازی (مانند کافی‌نت‌های متخلف یا توزیع‌کنندگان فیلترشکن) وارد عمل شوند. همچنین کارگروه‌ها یا کمیته‌های تخصصی (مثلاً کمیته‌های نظارتی بر کسب‌وکارهای اینترنتی در وزارت صمت) در حوزه وظایف خود اجرای ضوابط را پایش می‌کنند.

به طور خلاصه، نظام انتظامی و قضایی کشور ضامن اجرای قانون در فضای مجازی است. هرچند این نهادها مستقیماً سیاست‌گذار نیستند، اما بخشی ضروری از نظام تنظیم‌گری به شمار می‌آیند؛ زیرا بدون نظارت و ضمانت اجرا، قوانین و مقررات کارایی نخواهند داشت. نمونه‌ای از تعامل میان

رگولاتورهای محتوا و قوه قضائیه در سال‌های اخیر، شکایت یک پلتفرم از ساترا و صدور رأی قضایی علیه ساترا بوده است که نشان داد در صورت ضعف اقتدار تنظیم‌گر، مداخله قضایی اجتناب‌ناپذیر می‌شود. بدین ترتیب، نقش قوه قضائیه صرفاً تقویت‌کننده نیست، بلکه گاه به‌عنوان داور نهایی اختلافات میان تنظیم‌گران یا میان تنظیم‌گر و بخش خصوصی نیز عمل می‌کند.

نظارت بر رقابت و انحصار بازار دیجیتال (شورای رقابت)

شورای رقابت و مرکز ملی رقابت، نهادهایی هستند که به طور فراگیر بر رقابت اقتصادی صنایع کشور از جمله حوزه فضای مجازی نظارت دارند. این شورا زیر نظر نهاد ریاست‌جمهوری فعالیت می‌کند و به‌عنوان اَبَرتنظیم‌گر رقابت، وظیفه‌ی جلوگیری از ایجاد انحصار و تبعیض ضدرقابتی در بازارهای مختلف را بر عهده دارد. در حوزه‌ی دیجیتال نیز هرجا احتمال شکل‌گیری انحصار توسط شرکت‌های بزرگ فناوری یا پلتفرم‌های مسلط وجود داشته باشد، شورای رقابت می‌تواند مداخله کند. برای مثال، این شورا در دی ۱۴۰۱ با بررسی خرید شرکت «نت برگ» توسط رقیبش «تخفیفان» (دو پلتفرم ارائه‌ی تخفیف گروهی برخط) تشخیص داد که این ادغام موجب انحصار در بازار می‌شود و لذا قرارداد را ابطال کرد. چنین تصمیمی نشان داد شورای رقابت حتی در زیربخش‌های اقتصاد دیجیتال نیز به‌دقت اوضاع بازار را رصد کرده و از حقوق رقابت، دفاع می‌کند.

شورای رقابت متشکل از نمایندگانی از سه قوه و بخش خصوصی از جمله ۳ نماینده‌ی مجلس، ۲ قاضی دیوان عالی، چند اقتصاددان و حقوق‌دان برجسته، نمایندگان وزارتخانه‌های اقتصادی مرتبط و نمایندگان اتاق بازرگانی و اتاق تعاون است. این ترکیب بین‌بخشی کمک می‌کند نگاه جامعی بر تصمیمات شورا حاکم باشد. صدور دستورالعمل ضد انحصار، بازرسی و جریمه شرکت‌های متخلف و ارائه‌ی مشاوره در تصویب مقررات رقابتی از وظایف این شوراست.

در سال‌های اخیر مواردی نظیر رفتار ضدرقابتی فروشگاه‌های نرم‌افزاری بومی یا شرایط انحصاری برخی پلتفرم‌های سفارش آنلاین نیز تحت‌نظر شورای رقابت بوده است. به‌طورکلی، شورای رقابت نقش تنظیم‌گر رقابت را مکمل سایر تنظیم‌گران بخشی ایفا می‌کند تا اطمینان حاصل شود منافع مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارهای نوپا در برابر غول‌های فناوری و شرکت‌های دولتی حفظ می‌شود. به‌عنوان نمونه، رگولاتور بخش ارتباطات (سازمان تنظیم مقررات) ممکن است در تعیین تعرفه‌های

تلفن همراه تصمیمی بگیرد، اما شورای رقابت از منظر سیاست ضد انحصاری آن را بررسی می‌کند تا به سود اپراتور مسلط یا به زیان رقبا نباشد. ازاین‌رو تعامل نزدیکی میان این شورا و تنظیم‌گران بخشی وجود دارد.[۵]

بازیگران غیردولتی (بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد)

در کنار نهادهای حکومتی، بخش خصوصی و تشکل‌های مردم‌نهاد نیز در حوزه‌ی تنظیم‌گری فضای مجازی نقش‌آفرینی می‌کنند؛ هرچند نقش آن‌ها دارای قدرتی رسمی برای تنظیم‌گری نیست، بلکه بیشتر ماهیتی تأثیرگذار و غیرمستقیم دارد. شرکت‌های خصوصی فناوری، اپراتورها، استارتاپ‌ها و پلتفرم‌های دیجیتال در خط مقدم توسعه‌ی خدمات فضای مجازی قرار دارند و تصمیمات آنها می‌تواند به تنظیم‌گری خودکار بازار منجر شود. برای مثال، سیاست‌های شرکت‌های بزرگ پلتفرمی در زمینه‌ی مدیریت محتوا یا حریم خصوصی کاربران، نوعی خودتنظیم‌گری پلتفرمی محسوب می‌شود که بر اکوسیستم اثر می‌گذارد. همچنین، تعامل و مذاکره بخش خصوصی با دولت در تدوین مقررات، می‌تواند تضمین‌کننده‌ی واقع‌بینی و کارآمدی قوانین باشد.

در ایران چند نهاد صنفی و تخصصی از جمله سازمان نظام صنفی رایانه‌ای (نماینده شرکت‌های حوزه فناوری اطلاعات)، اتحادیه کشوری کسب‌وکارهای مجازی (نماینده کسب‌وکارهای اینترنتی)، انجمن‌های صنفی تولیدکنندگان محتوا، خانه سینما (در بخش رسانه‌ای) و... شکل‌گرفته‌اند تا نمایندگی بخش خصوصی در این تعاملات را بر عهده گیرند. این تشکل‌ها می‌توانند با تدوین آیین‌نامه‌های صنفی و استانداردهای حرفه‌ای، تا حدی نقش تنظیم‌گرانه داشته باشند و بر عملکرد اعضای خود نظارت صنفی کنند. تجربه‌های جهانی نشان داده است که مشارکت فعال صنوف در تنظیم‌گری، ضمن کاهش بار دولت، به پذیرش بهتر مقررات توسط فعالان صنعت و ارتقای رقابت‌پذیری کمک می‌کند.[۶]

بااین‌حال، در ایران به دلیل سابقه طولانی دولت‌محوری در رسانه و فضای مجازی، نقش‌آفرینی تنظیم‌گرانه‌ی اصناف و نهادهای مردمی با محدودیت‌های ساختاری مواجه بوده است. حضور نهادهای

---

۵. https://www.ibna.ir/news/۳۳۴۲۰۲

۶. https://irannewspaper.ir/۱۱۶۴۸۸/۱/۸۶۹۷

دولتی و شبه‌دولتی موازی با سیاست‌های بعضاً متفاوت، عملاً فضای کمی برای خودتنظیم‌گری صنفی باقی گذاشته است. برای مثال، درحالی‌که می‌شد امور نظارتی بر پلتفرم‌های محتوایی تا حدی به صنف واگذار شود، خلأ قانونی در حوزه‌ی رسانه‌های تصویری و نبود نهاد مستقل حل اختلاف بین رسانه‌ها و حاکمیت، مانع این امر شده است. به‌علاوه، برخی تشکل‌های صنفی نیز از درون دچار ضعف‌هایی مانند اختلافات داخلی، عدم انسجام یا عدم تمایل به پذیرش مسئولیت شده‌اند که توان آنها برای تنظیم‌گری را پایین آورده است.

سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه‌ی حقوق دیجیتال و فرهنگ سایبری نیز به‌تدریج فعال شده‌اند. برای مثال، بنیادهای مدنی در حوزه آموزش سواد رسانه‌ای، حفاظت از داده‌های کاربران یا حمایت از کسب‌وکارهای نوپا تلاش می‌کنند با آگاهی‌بخشی عمومی و لابی‌گری مثبت، بر تصمیمات حاکمیت تأثیر بگذارند. اما این سازمان‌ها معمولاً نقش رسمی در ساختار حکمرانی ندارند و بیشتر به‌عنوان مشاور و مطالبه‌گر عمل می‌کنند. با گسترش فضای مجازی، مطالبه‌ی جامعه مدنی برای شفافیت در سیاست‌های حکمرانی اینترنت، رفع انحصارات و احترام به حقوق شهروندان در فضای مجازی افزایش یافته است. هرچند سازوکار مشارکت مستقیم ذی‌نفعان غیردولتی در فرایند تنظیم مقررات هنوز به‌صورت نظام‌مند شکل نگرفته، ولی انتظار می‌رود در آینده با تدوین قوانین جدید، جایگاه این بازیگران نیز تقویت شود.

۲. منشأ قانونی اختیارات هر یک از این بازیگران سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری فضای مجازی

مسئولیت سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری فضای مجازی در ایران میان نهادها و سازمان‌های مختلف تقسیم شده است تا ضمن تأمین زیرساخت‌های ارتباطی، نظارت محتوایی و حفظ امنیت، تعامل پویا با زمینه‌های فناوری را نیز تضمین کند. در ادامه، منشأ قانونی و دامنه اختیارات اصلی این نهادها تشریح می‌شود.

شورای‌عالی فضای مجازی در ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ به فرمان مقام معظم رهبری تشکیل شده و بالاترین مرجع سیاست‌گذاری کلان در حوزه‌ی فضای مجازی به شمار می‌آید. مصوبات این شورا پس از تصویب و انتشار در روزنامه رسمی، از حیث اثر قانونی در حکم «قانون عام» تلقی شده و تمامی دستگاه‌ها و نهادهای کشور موظف به اجرای آن هستند. مرکز ملی فضای مجازی، به‌عنوان بازوی اجرایی و کارشناسی شورای‌عالی، پس از مصوبه‌ی ششم شورا در تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۹۱ و ابلاغیه‌ی رهبر انقلاب در مرداد ۱۳۹۱، فعالیت خود را آغاز کرد و وظیفه‌ی پیاده‌سازی مصوبات و تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی را بر عهده گرفت.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بر اساس «قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات» مصوب ۱۹ آذر ۱۳۸۲ فعالیت می‌کند که محدوده‌ی اختیارات آن شامل صدور مجوزهای مخابراتی و پستی، تنظیم سیاست‌های کلان ارتباطی و نظارت بر بخش غیردولتی است. در پی اصلاحات این قانون، «کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات» نیز در تبصره‌ی (۳) ماده‌ی ۷ قانون وزارت ارتباطات شکل گرفت و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن در جلسه هیئت وزیران مورخ ۱۹ اسفند ۱۳۸۳ به تصویب رسید؛ این کمیسیون مسئول صدور پروانه و تنظیم بازار خدمات ارتباطی است.

سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی بر اساس تبصره‌ی (۳) ماده‌ی (۷) قانون وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در جلسات هیئت وزیران مورخ ۲۶ خرداد ۱۳۸۷ و ۲۲ آذر ۱۳۸۸ تأسیس شد و وظیفه‌ی ایفا و اعمال نظارت بر طیف فرکانس و اجرای مصوبات کمیسیون را بر عهده دارد. در حوزه‌ی محتوایی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر اساس «قانون مطبوعات» مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۶۴ مسئول صدور مجوزهای نشریات و رسانه‌های مکتوب و تعیین شرایط انتشار است.

صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران بر پایه «قانون اداره صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۸ دی ۱۳۵۹ شکل‌گرفته و مسئول تولید، پخش و تنظیم مقررات صوتی - تصویری است. در بخش

رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی، «ساترا» از سال ۱۳۹۵ مطابق ابلاغیه‌ی مقام معظم رهبری مورخ ۲۲ شهریور ۱۳۹۴ و مصوبات شورای‌عالی انقلاب‌فرهنگی، مجوزدهی و نظارت را بر عهده دارد.

شورای رقابت باتکیه‌بر «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴» مصوب ۲۵ خرداد ۱۳۸۷ و «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر» مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴، مسئول تنظیم بازارهای انحصاری دیجیتال و نظارت بر رقابت عادلانه در این بخش است. کمیته‌ی تعیین مصادیق محتوای مجرمانه نیز بر اساس «قانون جرایم رایانه‌ای» مصوب ۵ خرداد ۱۳۸۸، مسئول شناسایی و اعلام موارد محتوای مجرمانه در فضای مجازی است.

قوه‌ی قضائیه و نهادهای امنیتی بر پایه «قانون مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ و «قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب ۱۳۹۲/۳/۲، مسئول اعمال سیاست‌های حقوقی و امنیتی در فضای مجازی هستند. در نهایت، شرکت‌های فناوری اطلاعات تابع «قانون تجارت الکترونیکی» مصوب ۱۷ دی ۱۳۸۲ بوده و ملزم به رعایت مقررات تجارت و خدمات الکترونیک هستند. سازمان‌های مردم‌نهاد نیز ذیل «آیین‌نامه‌ی تشکل‌های مردم‌نهاد» مصوب ۱۳۸۰ و مقررات بعدی شورای‌عالی فضای مجازی، فعالیت می‌کنند.

	نهاد/سازمان	منشأ قانونی	قانون/مصوبه (سال)
۱	شورای عالی فضای مجازی	حکم مقام معظم رهبری	۱۳۹۰
۲	مرکز ملی فضای مجازی	مصوبات شورای عالی فضای مجازی	۱۳۹۰
۳	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	قانون «وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات»	۱۳۸۲
۴	کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات	قانون تشکیل وزارت پست و تلگراف و تلفن و اصلاحات بعدی	۱۳۸۲ و اصلاحات بعدی
۵	سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی	مصوبه هیئت وزیران در جلسات مورخ ۲۶ خرداد ۱۳۸۷ و ۲۲ آذر ۱۳۸۸	۱۳۸۸،۱۳۸۷
۶	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	قانون «نشر و مسئولیت های محتوایی»	۱۳۶۴
۷	صداوسیما	قانون اداره صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۸ دی ماه ۱۳۵۹)	۱۳۵۹
۸	ساترا	ابلاغیه مورخ ۲۲ شهریور ۱۳۹۴ شورای عالی فضای مجازی بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی و نظریه تفسیری شورای نگهبان	۱۳۹۴
۹	شورای رقابت	قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ و قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر	۱۳۸۷ و ۱۳۹۴
۱۰	کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه	قانون جرایم رایانه ای	۱۳۸۸
۱۱	دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی	قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری	۱۳۹۲
۱۲	شرکت های فناوری	قانون تجارت الکترونیک	۱۳۸۲
۱۳	سازمان های مردم نهاد	قانون تشکل های مردم نهاد	۱۳۸۰

جدول ۱: منشأ قانونی اختیارات نهادهای تنظیم گر

۳. مدل مفهومی جایگاه و ارتباطات هر یک از بازیگران تنظیم‌گر در فضای مجازی

باتوجه‌به مطالب مطرح‌شده در بخش اول و تشریح جایگاه و نقش بازیگران مختلف در تنظیم‌گری فضای مجازی، می‌توان نتیجه گرفت که ساختار حکمرانی فضای مجازی در ایران متشکل از طیفی از نهادهای تقنینی، سیاست‌گذار، اجرایی، نظارتی و قضایی است که هر یک در بخش‌هایی از این حوزه ایفای نقش می‌کنند. این بازیگران در حوزه‌های تقنین، سیاست‌گذاری کلان، تنظیم‌گری فنی، تنظیم‌گری محتوایی، نظارت بر رقابت، تأمین امنیت و صیانت حقوق کاربران فعال‌اند و در کنار آن‌ها، بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز با ایفای نقش‌های مکمل، به پویایی و پیچیدگی این نظام تنظیم‌گری می‌افزایند. این گستردگی بازیگران، ضمن فراهم‌کردن امکان پوشش ابعاد مختلف فضای مجازی، درعین‌حال چالش‌هایی نظیر هم‌پوشانی وظایف، موازی‌کاری و نبود انسجام اجرایی را نیز به همراه دارد که باید در طراحی مدل نهایی حکمرانی به آن توجه شود.

تعاملات افقی و عمودی بین نهادهای تنظیم‌گر

یکی از ویژگی‌های حکمرانی فضای مجازی، لزوم همکاری تنگاتنگ میان نهادهای متعدد در سطوح مختلف است. در ایران نیز ساختار تنظیم‌گری به‌گونه‌ای است که تعاملات عمودی (بالابه‌پایین) و افقی (میان هم‌سطح) متعددی بین بازیگران وجود دارد:

تعامل عمودی (سلسله‌مراتبی): سیاست‌های کلان از سوی شورای‌عالی فضای مجازی (در رأس هرم) تصویب و از طریق مرکز ملی به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ می‌شود. سپس وزارتخانه‌ها و نهادهای تنظیم‌گر بخشی (ارتباطات، ارشاد، ساترا)، مقررات اجرایی و آیین‌نامه‌های لازم را در چارچوب سیاست‌های کلان تدوین کرده و به شرکت‌ها و کاربران ابلاغ می‌کنند. در انتها، نهادهای قضایی و امنیتی بر اجرای درست این مقررات در کف جامعه نظارت دارند و متخلفان را مجازات یا اصلاح می‌کنند. برای نمونه، در قضیه‌ی سامان‌دهی پیام‌رسان‌های اجتماعی، شورای‌عالی اصول حاکم را مصوب کرد، مرکز ملی خط‌مشی را به وزارت ارتباطات و کارگروه‌های ذی‌ربط ابلاغ نمود، وزارت ارتباطات مقررات فنی و احراز هویت را تعیین کرد، و در مرحله اجرا اگر تخلفی (مثلاً فعالیت پیام‌رسان بدون مجوز) رخ دهد، این دستگاه قضایی و پلیس است که وارد عمل می‌شود. این زنجیره تضمین می‌کند تصمیمات راهبردی به مرحله عمل برسند.

تعامل افقی (میان‌نهادی): در بسیاری موارد هماهنگی میان نهادهای هم‌سطح یا هم‌تراز ضرورت می‌یابد. یکی از سازوکارهای اصلی برای این منظور، حضور نمایندگان دستگاه‌های مختلف در شوراها و کارگروه‌های مشترک است. شورای‌عالی فضای مجازی خود نمونه عالی تعامل افقی در سطح حاکمیت است که رؤسای قوا و مسئولان عالی را گرد هم می‌آورد و تصمیماتی می‌گیرد که برای همه الزام‌آور است. در سطوح پایین‌تر، کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه نمادی از تعامل افقی اجرایی - قضایی است که ۱۲ دستگاه عضو آن هستند. مثال دیگر، کارگروه ویژه‌ی اقتصاد دیجیتال دولت است که در سال ۱۴۰۰ با حضور وزرای ارتباطات، اقتصاد، صمت، دفاع، علوم، ارشاد و معاونین رئیس‌جمهور تشکیل شد تا هماهنگی میان‌بخشی در تصمیمات مرتبط با کسب‌وکارهای دیجیتال تسریع شود. در این کارگروه، چند وزارتخانه به طور افقی تصمیمات مشترک اتخاذ می‌کنند و نقش یک هیئت دولت کوچک تخصصی را بازی می‌کنند. همچنین شورای رقابت در صورت بررسی یک پرونده در حوزه فضای مجازی، ممکن است از نظرات تخصصی وزارت ارتباطات یا اصناف مرتبط بهره بگیرد که این نیز گونه‌ای تعامل افقی مشورتی است.

هماهنگی‌های غیررسمی و بین‌بخشی: در مواردی اختلاف‌نظر یا تعارض وظایف میان دو نهاد هم‌رده رخ می‌دهد که نیازمند تعامل و تفاهم است. اختلاف میان ساترا و وزارت ارشاد بر سر نظارت بر شبکه نمایش خانگی نمونه‌ی بارز چنین تعارضی است. این اختلاف سال‌هاست ادامه دارد و برای حل آن جلسات متعدد در دولت و حتی شورای‌عالی فضای مجازی برگزار شده است. هرچند هنوز اجماع کاملی حاصل نشده، همین گفتگوها و چانه‌زنی‌های بین‌بخشی نشان‌دهنده‌ی تلاش برای تعامل افقی میان نهادهای مدعی صلاحیت است. نمونه‌ی دیگر، هنگام تدوین طرح‌های جدید در مجلس، انتظار می‌رود نظر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط نیز اخذ شود تا هماهنگی لازم حفظ گردد؛ به‌عنوان‌مثال در طرح اخیر برخی نمایندگان برای افزایش اختیارات صداوسیما در نظارت بر وی‌اودی‌ها، به دلیل کنارگذاشتن وزارت ارشاد از فرایند تدوین، انتقادهایی مطرح شد که این طرح را یک‌جانبه و ناهماهنگ می‌دانست.

به‌طورکلی، ساختار حکمرانی فضای مجازی در ایران مقتضی شبکه‌ای از روابط است که در آن هیچ نهادی به‌تنهایی نمی‌تواند اهداف خود را محقق کند. موفقیت در تنظیم‌گری این حوزه نیازمند همگرایی نهادی است. هر سیاست ملی باید با موافقت و مشارکت نهادهای مرتبط تنظیم و اجرا شود؛ در

غیر این صورت یا اجرا نخواهد شد یا دچار تزاحم و موازی‌کاری می‌گردد. ازاین‌رو، ایجاد سازوکارهای هماهنگ‌سازی (مانند شوراهای مشترک، کمیسیون‌های عالی، توافق‌نامه‌های بین دستگاهی) برای تعامل مؤثر افقی و عمودی بسیار حیاتی است.

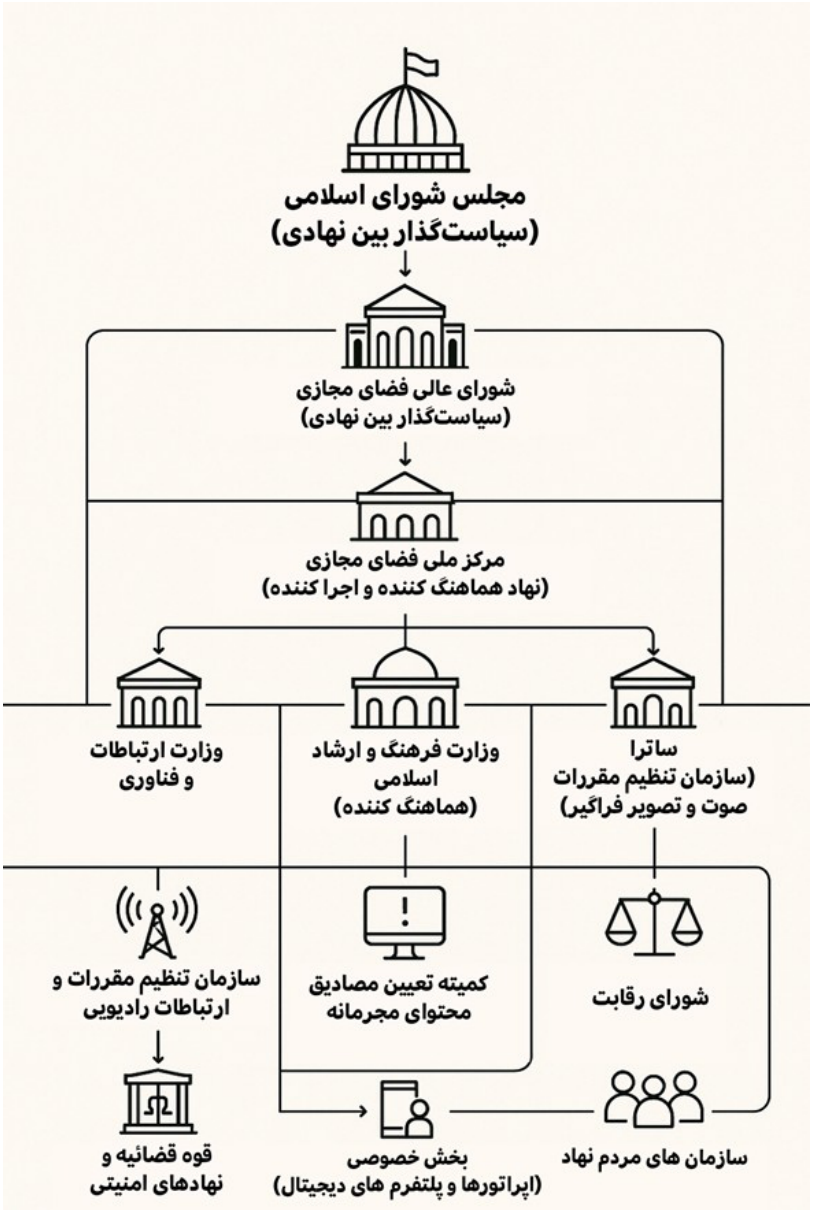
مدل مفهومی تنظیم‌گری فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران

در مدل مفهومی تنظیم‌گری فضای مجازی، مجلس شورای اسلامی در رأس هرم تقنین قرار دارد و مسئول قانون‌گذاری کلان است. در سطح پایین‌تر، شورای‌عالی فضای مجازی به‌عنوان نهاد سیاست‌گذار و ناظر فرادستگاهی عمل می‌کند و مرکز ملی فضای مجازی نقش هماهنگ‌کننده و مجری مصوبات شورا را ایفا می‌کند.

در سطح بخشی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به همراه کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، مدیریت زیرساخت شبکه و خدمات ارتباطی را بر عهده دارند، درحالی‌که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر (ساترا) وظیفه تنظیم‌گری محتوا و رسانه را به دوش می‌کشند. همچنین سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی مدیریت طیف فرکانسی را انجام می‌دهد، کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه مسئول پالایش محتوای غیرقانونی است و شورای رقابت نظارت بر جلوگیری از انحصار و تنظیم رقابت در بازار دیجیتال را بر عهده دارد.

در کنار این نهادها، دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی مسئول اجرای ضوابط حقوقی و تأمین امنیت فضای مجازی هستند. در لایه غیردولتی، بخش خصوصی شامل اپراتورها و پلتفرم‌های دیجیتال و همچنین سازمان‌های مردم‌نهاد، به‌عنوان بازیگران تأثیرگذار در ارائه خدمات و تولید محتوا، با نهادهای دولتی ارتباط متقابل دارند.

این الگوی تنظیم‌گری ماهیتی شبکه‌ای دارد؛ به‌گونه‌ای که پیوندهای عمودی از مجلس تا کاربران نهایی و ارتباطات افقی میان وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و سایر نهادها را پوشش می‌دهد. درعین‌حال، چالش‌ها و ناهماهنگی‌هایی میان سطوح مختلف این ساختار قابل‌مشاهده است که نیازمند بازنگری و انسجام بیشتر در نظام حکمرانی فضای مجازی کشور است.



شکل ۱: مدل مفهومی جایگاه و ارتباطات هریک از بازیگران تنظیم‌گر

۴.تعارضات و تداخلات وظایف و مأموریت‌های هر یک از بازیگران تنظیم‌گر فضای مجازی

باتوجه‌به هم‌پوشانی حوزه‌های فناوری و محتوای دیجیتال، برخی سازمان‌ها دچار تعارض وظایف هستند؛ به‌عنوان‌مثال، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ساترا هر دو در حوزه تنظیم محتوای صوتی - تصویری مسئولیت دارند که منجر به موازی‌کاری می‌شود. همچنین، کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات و سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی در زمینه صدور مجوز و تخصیص طیف رادیویی گاهی نقش‌های متداخل دارند. در سطح کلان، مصوبات مختلف شورای‌عالی فضای مجازی و شورای انقلاب‌فرهنگی ممکن است در موضوعاتی مانند هوش مصنوعی یا تولید محتوا تداخل یابد، چرا که هر دو شورا بدون بازتعریف سازوکارهای پیشین، ورود می‌کنند و حقوق و مسئولیت‌های قبلی را تغییر نمی‌دهند. علاوه بر این، شورای رقابت و کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه می‌توانند در هنگام تنظیم مقررات اقتصادی و محتوایی به این معنا که مقررات ضد انحصار ممکن است آزادی‌های محتوا را محدود کند، با یکدیگر در تعارض قرار گیرند. دستگاه قضایی با اجرای قوانین امنیتی و بخش خصوصی با هدف توسعه‌ی بازار، در تقابل قرار دارند؛ زیرا تشدید نظارت قضایی می‌تواند رشد پلتفرم‌ها را کند سازد. این موارد نشان می‌دهد ساختار تنظیم‌گری فعلی نیازمند همگرایی و بازتعریف مأموریت‌ها برای کاهش تعارضات و افزایش کارایی است.

چالش‌ها و ناهماهنگی‌های تنظیم‌گری فضای مجازی ایران

علی‌رغم شکل‌گیری چارچوب‌های اولیه، نظام تنظیم‌گری فضای مجازی ایران با چالش‌ها و کاستی‌هایی مواجه است که کارآمدی آن را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. مهم‌ترین این چالش‌ها عبارت‌اند از:

تعدد نهادها و تداخل مأموریت‌ها: یکی از مشکلات ساختاری، پراکنده بودن مسئولیت‌های تنظیم‌گری بین نهادهای مختلف و بعضاً موازی است. برای مثال، در حوزه‌ی نظارت بر محتوای آنلاین، وزارت ارشاد و ساترا هر دو مدعی نقش هستند و همین تداخل منجر به اختلافات مکرر شده است. در حوزه‌ی سیاست‌گذاری کلان، شورای‌عالی فضای مجازی و مجلس هر کدام ابتکاراتی داشته‌اند که گاهی به‌موازات هم پیش رفته است و نتیجه آن ظهور مراکز سیاست‌گذاری متعدد و سردرگمی فعالان این حوزه بوده است. بدین ترتیب، روشن نبودن مرزبندی اختیارات میان برخی نهادها (مثلاً دولت و شورای‌عالی، یا صداوسیما و ارشاد) چالش جدی حکمرانی فضای مجازی کشور است.

تعارض منافع و نبود تنظیم‌گر مستقل: در برخی حوزه‌ها، تنظیم‌گر خود ذی‌نفع یا رقیب بازیگران تحت تنظیم‌گری است. نمونه بارز، ساترا است که به نمایندگی از سازمان صداوسیما بر پلتفرم‌های نمایش خانگی نظارت می‌کند؛ درحالی‌که صداوسیما خود بزرگ‌ترین بازیگر رسانه‌ای کشور است. این وضعیت تعارض منافع باعث شده نتوان به نظارت بی‌طرفانه امید بست. همچنین در مواردی ممکن است نهادهای دولتی انگیزه کافی برای برخورد با زیرمجموعه‌های خود نداشته باشند. راهکار کلاسیک برای این مشکل، ایجاد تنظیم‌گرهای مستقل (همانند آفکام[۷] در انگلستان که مستقل از دولت، هم تنظیم‌گر مخابرات و هم رسانه عمل می‌کند) است. در ایران نبود یک تنظیم‌گر واحد و مستقل برای تمامی ابعاد فضای مجازی احساس می‌شود. برخی صاحب‌نظران پیشنهاد داده‌اند با تلفیق سازمان تنظیم مقررات ارتباطات رادیویی و ساترا، یک سازمان تنظیم‌گری واحد «ارتباطات و فضای مجازی» زیر نظر شورای‌عالی فضای مجازی تشکیل شود. چنین اَبَررگولاتوری می‌تواند رویکرد جامع‌نگر داشته و تعارضات میان رگولاتورهای فعلی را کاهش دهد. تاکنون این ایده در حد طرح باقی‌مانده و عملی نشده است.

خلأها و تأخیرهای قانونی: همان‌طور که ذکر شد، تحول سریع فضای مجازی موجب شده در پاره‌ای از عرصه‌ها قانون و مقررات روشنی وجود نداشته باشد. به‌عنوان‌مثال، تا همین اواخر وضعیت حقوقی رمزارزها، حریم خصوصی داده‌های کاربران، مالکیت دارایی‌های دیجیتال و بسیاری از خدمات نوین، در ابهام بود یا مقررات پراکنده و ناکافی داشت. فرایند قانون‌گذاری سنتی نیز زمان‌بر است و معمولاً از تغییرات روز عقب می‌ماند؛ لذا در برهه‌هایی شاهد خلأ نظارتی بوده‌ایم که یا به آشفتگی بازار انجامیده یا دستگاه‌های اجرایی مجبور شده‌اند با دستورالعمل‌های موقتی وضعیت را مدیریت کنند. طرح‌ها و لوایح جامع تنظیم‌گری فضای مجازی (مانند پیش‌نویس «نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی» در مجلس) نیز به دلیل حساسیت موضوع با تأخیر یا مقاومت مواجه شده و به سرانجام نرسیده‌اند. این خلأهای تقنینی ضمن ایجاد عدم قطعیت برای فعالان بخش خصوصی، گاه باعث مداخله‌ی بازیگران غیرمرتبط می‌شود. برای مثال، در نبود قانون مشخص برای پلتفرم‌های کاربرمحور، هر نهاد امنیتی یا قضایی می‌تواند بنا به تفسیر خود اقدامی محدودکننده انجام دهد.

---

۷. Ofcom

کندی و عدم انسجام در اجرا: حتی در مواردی که قانون و سیاست‌ها موجود است، هماهنگی ضعیف میان نهادها اجرای مؤثر را مختل می‌کند. نمونه‌ای از این عدم انسجام، پروژه‌ی شبکه ملی اطلاعات است که علی‌رغم گذشت نزدیک به یک دهه از تصویب، به دلیل ناهماهنگی دستگاه‌های مختلف و تغییر اولویت‌ها به‌کندی پیش رفته است. همچنین، گاهی مصوبات شورای‌عالی فضای مجازی به طور کامل توسط دولت اجرا نشده یا با تغییر دولت‌ها دچار وقفه شده است. عدم تشکیل منظم جلسات شورای‌عالی در برخی دوره‌ها و بلاتکلیف ماندن انتصاب اعضای حقیقی شورا (که دوره آنها منقضی شده بود) نیز از مشکلات در سطح راهبری کلان بود که مشروعیت تصمیمات را زیر سؤال می‌برد. هرچند اخیراً با شروع به کار دولت جدید، اهتمام به برگزاری منظم شورای‌عالی بیشتر شده است، اما همچنان چالش اجرای کامل مصوبات باقی است. نبود ضمانت اجرایی قوی (به جز ابزارهای سنتی نظیر تذکر و پیگیری اداری) سبب می‌شود برخی دستگاه‌ها مصوبات شورای‌عالی را در اولویت قرار ندهند.

ضعف مشارکت ذی‌نفعان و رویکرد بالابه‌پایین: ساختار تنظیم‌گری فعلی عمدتاً دستوری و از بالابه‌پایین است و کمتر از مشارکت بخش خصوصی، جامعه مدنی و کارشناسان مستقل در تصمیم‌سازی بهره می‌گیرد. این امر هم در مرحله تدوین سیاست (مثلاً عدم مشورت کافی با بخش خصوصی در تدوین طرح‌های مجلس) و هم در مرحله اجرا (نادیده‌گرفتن بازخورد کسب‌وکارها و کاربران) مشاهده می‌شود. نتیجه آن، مقرراتی است که بعضاً با واقعیت‌های بازار یا خواست جامعه تطابق کامل ندارد و در عمل با مقاومت یا دورزدن مواجه می‌شود. برای نمونه، طرح‌های فیلترینگ سخت‌گیرانه بدون درنظرگرفتن نیازهای کسب‌وکارهای آنلاین، موجب شد بسیاری از این کسب‌وکارها آسیب ببینند و کاربران به ابزارهای غیررسمی روی‌آورند. ارتقای مدل حکمرانی به سمت مشارکت‌جویی و تنظیم‌گری مشارکتی[۸] می‌تواند ضمن افزایش مشروعیت مقررات، کیفیت و شانس موفقیت آنها را بهبود بخشد.

در جمع‌بندی چالش‌ها می‌توان گفت عدم وجود یک نقشه راه واحد و همسوی تنظیم‌گری که تمامی اجزای حکمرانی فضای مجازی را هم‌راستا کند، مشکل اساسی است. هریک از بازیگران فعلی بخشی

---

۸. Collaborative Regulation

از این پازل را پوشش می‌دهند، اما هماهنگ‌کردن آنها در قالب یک ساختار واحد دشوار بوده است. به همین علت، برخی صاحب‌نظران پیشنهاد ایجاد نهادی فراقوه‌ای و واحد را داده‌اند که مسئولیت یکپارچه‌ی تنظیم‌گری فضای مجازی را عهده‌دار شود. تا زمان تحقق چنین اصلاحی، لازم است از طریق تفاهم‌نامه‌ها، شوراهای مشترک و به‌روزآوری قوانین موجود، هم‌افزایی میان نهادهای فعلی افزایش یابد و از تعارض و دوباره‌کاری جلوگیری شود.

۵.پشنهادات اصلاح وضعیت موجود تداخلات و تنظیم سیاست‌گذاران فضای مجازی

حکمرانی فضای مجازی در ایران با تعدد نهادهای سیاست‌گذار و تنظیم‌گر مواجه است که برخی وظایفشان هم‌پوشانی یا تعارض دارد. وجود شوراها و سازمان‌های موازی (از شورای‌عالی فضای مجازی و شورای‌عالی انقلاب‌فرهنگی در سطح سیاست‌گذاری کلان گرفته تا نهادهای تنظیم‌گر بخشی مانند ساترا و کمیسیون‌های عالی تنظیم مقررات در سطح اجرایی) منجر به سردرگمی، اختلاف تصمیم‌ها و کاهش کارایی شده است. نمونه‌ای از این تداخل، مناقشه درباره نظارت بر پلتفرم‌های نمایش خانگی[۹] بود که در آن شورای‌عالی انقلاب‌فرهنگی با مصوبه‌ای حق انحصاری صداوسیما در پخش زنده و نظارت بر رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر را تأیید کرد و ساترا را به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر معرفی نمود. در مقابل، شورای‌عالی فضای مجازی که طبق وظایف مصوب خود مرجع تنظیم‌گری این حوزه است، منفعل بوده و گویی میدان را به سایر نهادها واگذار کرده است. این مثال نشان می‌دهد عدم شفافیت در تقسیم کار قانونی چگونه می‌تواند به تعارض و بلاتکلیفی در حکمرانی دیجیتال بینجامد. برای برون‌رفت از این وضعیت، بازنگری ساختاری و قانونی ضرورت دارد. در ادامه، ابتدا تجارب کشورهای مختلف در تنظیم‌گری فضای مجازی و جلوگیری از تداخل نهادی مرور می‌شود و سپس بر پایه‌ی آن‌ها، پیشنهادهای اصلاحی برای ایران ارائه می‌گردد.

تجارب بین‌المللی در تنظیم‌گری فضای مجازی

انگلستان: مدل تنظیم‌گر واحد آفکام

انگلستان در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی برای رفع تداخل میان نهادهای تنظیم‌گر حوزه ارتباطات

---

۹. VOD

رویکردی بنیادین اتخاذ کرد. در سخنرانی ملکه‌ی انگلستان در سال ۲۰۰۱ تأکید شد که نهادهای تنظیم‌گر متعدد باید با یک تنظیم‌گر اصلی جایگزین شوند. براین اساس، قانون دفتر ارتباطات (قانون آفکام) در سال ۲۰۰۲ به تصویب پارلمان رسید که جزئیات ساختار و نحوه‌ی همکاری تنظیم‌گران را تعیین کرد و ادغام آن‌ها را پیش‌بینی نمود. در سال ۲۰۰۳ نیز با تصویب قانون ارتباطات، پنج نهاد تنظیم‌گر پیشین در حوزه‌های مخابرات و رسانه‌های گروهی منحل و در سازمان واحد آفکام[۱۰] تجمیع شدند و وظایف کمیسیون مستقل تلویزیون، سازمان رادیو، دفتر مخابرات و آژانس ارتباطات رادیویی همگی به آفکام منتقل گردید.

نتیجه این تغییر ساختار، ایجاد یک رگولاتور قدرتمند و یکپارچه بود که امروز طیف وسیعی از امور شبکه‌های مخابراتی، خدمات اینترنت و پخش رادیو تلویزیونی تا پست و مدیریت طیف فرکانسی را تحت نظارت دارد. مدل آفکام به کاهش موازی‌کاری و تضاد در مقررات‌گذاری انجامید و همین امر موجب شد در سال‌های اخیر نقش آفکام حتی گسترش یابد؛ از جمله در سال ۲۰۱۱ سازمان تنظیم مقررات پست نیز منحل و در آفکام ادغام شد. همچنین طبق قانون ایمنی آنلاین ۲۰۲۳، وظیفه نظارت بر محتوای پلتفرم‌های دیجیتال نیز به آفکام سپرده شده است که نشان می‌دهد انگلستان برای حفظ انسجام حکمرانی دیجیتال، به جای ایجاد نهادی جدید، نقش رگولاتور موجود را توسعه می‌دهد.[۱۱،۱۲،۱۳]

ایالات متحده آمریکا: تفکیک وظایف و هماهنگی بین‌آژانسی

ایالات متحده برخلاف انگلستان، یک نهاد واحد همه‌کاره برای حکمرانی فضای مجازی ندارد، بلکه مسئولیت‌ها میان چندین سازمان تخصصی توزیع شده است. برای مثال، کمیسیون فدرال ارتباطات[۱۴] در حوزه زیرساخت مخابرات و طیف رادیویی و کمیسیون تجارت فدرال[۱۵] در حوزه حفاظت از مصرف‌کننده و حریم خصوصی آنلاین نقش آفرین هستند. همچنین سازمان‌های دیگری نظیر

---

۱۰. Office of Communications

۱۱. https://nabzefanavari.ir/۰۰۰۲ho

۱۲. https://zaviehmag.ir/?p=۳۳۹۷

۱۳. https://media.shafaqna.com/news/۵۶۳۱۴۶

۱۴. FCC

۱۵. FTC

وزارت امنیت میهن و واحد امنیت سایبری آن[۱۶] بر امنیت شبکه ها و زیرساخت های حساس نظارت می کنند و وزارت دادگستری با جرایم سایبری مقابله می نماید. با وجود تعدد نهادها، آمریکا تلاش کرده با تقسیم بندی شفاف حوزه اختیارات و ایجاد سازوکارهای هماهنگی، از تداخل مخرب جلوگیری کند. کاخ سفید به طور مشخص در سال های اخیر گام هایی برای تقویت هماهنگی بین آژانسی برداشته است؛ از جمله در سال ۲۰۲۱ با تأسیس دفتر مدیر ملی سایبری در کاخ سفید، مسئولیت هماهنگ سازی سیاست های کلان امنیت فضای مجازی بین تمامی نهادهای فدرال به این دفتر سپرده شد. چنین ترتیباتی کمک می کند ضمن حفظ تخصص گرایی سازمان ها، از خلأ یا تداخل در اجرای سیاست ها جلوگیری شود. رویکرد متخذه از سوی ایالات متحده ی آمریکا نشان می دهد هماهنگی مستمر و مشخص بودن حدود وظایف هر نهاد، حتی در غیاب یک رگولاتور واحد، می تواند از بروز تعارضات جلوگیری کند.[۱۷]

چین: تمرکز یکپارچه حاکمیتی

چین با ساختار سیاسی متمرکز، در حوزه حکمرانی اینترنت یک رویکرد با تمرکز شدید اتخاذ کرده است. در این کشور شورای مرکزی امور فضای مجازی تحت نظر مستقیم رهبری حزب کمونیست تشکیل شده که سیاست گذاری کلان در حوزه ی فضای مجازی را برعهده دارد. بازوی اجرایی اصلی این شورا، اداره فضای مجازی چین (سی ای سی)[۱۸] است که یک نهاد مافوق وزارت خانه ای به شمار می رود. (سی ای سی) در ابتدا با مأموریت نظارت بر محتوای آنلاین شکل گرفت؛ اما به مرور وظایفش بسیار گسترش یافت و اکنون حوزه هایی چون امنیت سایبری، حفاظت از داده ها و حریم خصوصی را نیز در برمی گیرد. چین از طریق (سی ای سی) عملاً همه بخش های دولتی و خصوصی فعال در عرصه آنلاین را زیر چتر مقررات واحد خود آورده است. این نهاد ماهیتی دوگانه (حزبی-دولتی) دارد و مستقیماً از کمیسیون مرکزی فضای مجازی به ریاست رئیس جمهور دستور می گیرد. هرچند برخی سازمان های تخصصی همچنان درگیرند؛ اما هماهنگی نهایی و تصمیم گیری کلان توسط سی ای سی انجام می شود

---

۱۶. CISA

۱۷. https://www.whitehouse.gov/oncd

۱۸. CAC

تـا تضـاد بین بخش هـا بـه حداقـل برسـد. چین بـا ادغـام نهـادی حوزه هـای مختلـف حکمرانـی سـایبری در قالـب یـک ابـر رگولاتـور توانسـته یک صدایـی در سیاسـت ها ایجـاد کنـد، حتی اگـر ایـن کار بـه قیمـت شـفافیت و پاسـخ‌گویی کـمتر نهـادی تمـام شـده باشـد.[۱۹]

روسیه: رگولاتور متمرکز دولتی

روسـیه بـرای نظارت بـر اینترنـت و ارتباطات، مدلی یکپارچـه و مشـابه انگلسـتان امـا بـا اختیـارات حکومتی بیـشتر طراحـی کـرده اسـت. مهم تریـن نهـاد ایـن کشـور، سـرویس فـدرال نظـارت بـر ارتباطـات، فنـاوری اطلاعـات و رسـانه های جمعـی اسـت کـه به اختصـار رُاسـکامنادزور[۲۰] نامیـده می شـود. راسـکامنادزور یـک آژانـس دولتی زیرمجموعـه وزارت توسـعه دیجیتـال روسـیه اسـت کـه مسـئولیت نظـارت، کـنترل و سانسـور رسـانه های همگانـی روسـیه را برعهـده دارد. حیطـه اختیـارات آن گسـترده اسـت و شـامل رسـانه های الکترونیکـی، ارتباطـات جمعـی، فنـاوری اطلاعـات و مخابـرات می شـود. ایـن نهـاد وظیفـهٔ نظارت بـر اجـرای قوانین در حوزه‌ی مخابـرات و اینترنـت، صـدور مجـوز و فیلترینـگ و بگاه هـا و شـبکه های اجتماعـی، و حفاظـت از اطلاعـات شـخصی کاربـران را بـر عهـده دارد. بـه بیـان دیگـر وظایفـی کـه در بسـیاری کشـورها بین چنـد رگولاتـور تقسـیم شـده، در روسـیه همگـی ذیـل راسـکامنادزور متمرکـز شـده‌اند. تصویـب قوانـینی نـظیر «اینترنـت مسـتقل» در سـال ۲۰۱۹ نیز اختیـارات راسـکامنادزور را بـرای مدیریـت متمرکـز ترافیـک اینترنـت و قطع ارتبـاط با شـبکه جهانی در شـرایط اضطراری افزایـش داده اسـت. روسـیه بـا ایجـاد یـک نهـاد قدرتمنـد متمرکـز، تـا حـد زیـادی از چالـش تداخـل نهـادی در حکمرانـی سـایبری پـرهیز کـرده اسـت.[۲۱]

ترکیه: تفکیک حوزه‌های تنظیم‌گری و پرهیز از موازی‌کاری

ترکیـه در حوزه‌ی سیاسـت‌گذاری بـر فضـای مجـازی رویکـردی میانـه را در پیـش گرفتـه اسـت؛ بدیـن صـورت کـه وظایـف حکمرانـی فضـای مجـازی را بیـن نهادهـای مشـخصی تفکیـک کـرده و در صـورت نیـاز دامنـه‌ی

---

۱۹. https://digichina.stanford.edu/work/behind-the-facade-of-chinas-cyber-super-regulator

۲۰. **Роскомнадзор**

۲۱. https://www.cfr.org/blog/russias-internet-censor-also-surveillance-machin

اختیارات آن‌ها را توسعه می‌دهد تا خلأ نظارتی باقی نماند. هیئت فناوری اطلاعات و ارتباطات[۲۲] به‌عنوان رگولاتور اصلی، مسئول تنظیم‌گری زیرساخت‌ها و خدمات ارتباطی و اینترنت در ترکیه است. این سازمان نظارت بر اپراتورهای مخابراتی، تخصیص منابع اینترنتی و اجرای احکام مسدودسازی وبگاه‌ها را عهده‌دار است. از سوی دیگر، شورای‌عالی رادیو و تلویزیون[۲۳] که قبلاً فقط ناظر رسانه‌های پخش سنتی بود، در سال ۲۰۱۸ به‌موجب قانون جدید اختیاراتش به فضای آنلاین نیز گسترش یافت. طبق این قانون، تمام سرویس‌های ویدئوی درخواستی و پخش اینترنتی ملزم به اخذ مجوز شورای‌عالی رادیو و تلویزیون و تابع مقررات محتوایی آن شدند. در ترکیه، هیئت فناوری اطلاعات و ارتباطات امور فنی و امنیتی فضای مجازی را مدیریت می‌کند و شورای‌عالی رادیو و تلویزیون بر محتوای رسانه‌ای نظارت دارد. چنین تقسیم کاری باعث شده ترکیه ضمن بهره‌گیری از تخصص هر نهاد، با وضع قوانین مکمل مانع ایجاد خلأ نظارتی یا تداخل تصمیم‌گیری شود.[۲۴]

پیشنهادهای اصلاحی برای ایران

با الهام از تجارب مذکور و درنظرگرفتن شرایط بومی، اقدامات زیر برای رفع تداخلات نهادی در حکمرانی فضای مجازی ایران پیشنهاد می‌شود:

۱.تنقیح و یکسان‌سازی قوانین متعارض: گام نخست، بازنگری جامع قوانین و مقررات فعلی فضای مجازی است. تمامی مصوبات و آیین‌نامه‌های پراکنده که طی سال‌ها توسط نهادهای مختلف (شورای‌عالی انقلاب‌فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کارگروه تعیین مصادیق و...) تصویب شده و بعضاً در تعارض با یکدیگر قرار دارند باید شناسایی و پالایش شوند. به‌جای آن‌ها لازم است چارچوب قانونی منسجم و یکپارچه‌ای تصویب گردد که حدود اختیارات هر نهاد را شفاف تعریف کند. برای نمونه، قوانین مرتبط با نظارت بر محتوای فضای مجازی که اکنون بخشی در شورای انقلاب‌فرهنگی و بخشی در شورای‌عالی فضای مجازی یا سایر مراجع است، باید تجمیع و یکنواخت

---

۲۲. BTK

۲۳. RTÜK

۲۴. https://www.forseti.com.tr/en/article/turkish-rules-for-web-based-broadcasts-enter-into-force-what-fate-awaits-netflix

شود تا دوگانگی ایجاد نشود. تجربه نشان داده در خلأ چنین انسجامی، مصوبات متعارض ظهور می‌کند؛ چنان‌که مصوبه شورای انقلاب‌فرهنگی درباره انحصار نظارت صداوسیما بر رسانه‌های آنلاین، با وظایف تعریف‌شده کمیسیون تنظیم مقررات در شورای‌عالی فضای مجازی در تعارض قرار گرفت؛ بنابراین، وحدت رویه قانونی شرط لازم رفع تداخل‌های ساختاری است.

۲.بازتعریف ساختار نهادهای سیاست‌گذار عالی: در سطح حکمرانی کلان، باید درباره تعدد شوراهای عالی تصمیم‌گیر در عرصه‌ی دیجیتال تجدیدنظر شود. پیشنهاد می‌شود شوراهای موازی مأموریت‌هایشان بازتعریف گردد. به‌عنوان مثال، می‌توان شورای عالی انقلاب فرهنگی را در حوزه مسائل فضای مجازی تحت شعاع شورای عالی فضای مجازی قرار داد یا کارگروه ویژه‌ای از دل هر دو شورا با اختیارات تفویض شده تشکیل داد که تصمیمات واحد اتخاذ کند. تجربه گذشته کشور نیز مؤید سودمندی ادغام نهادهای موازی است؛ به‌عنوان مثال در سال ۱۳۹۴ شورای عالی فناوری اطلاعات به دلیل هم‌پوشانی کامل وظایف و ترکیب اعضاء با شورای عالی فضای مجازی، طبق مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی منحل و وظایفش به شورای عالی فضای مجازی منتقل شد. استدلال نمایندگان این بود که وجود دو شورا با ریاست مشترک (رئیس جمهور) و اعضای مشابه، علاوه بر اتلاف منابع، ریسک تصمیمات متناقض و موازی‌کاری را افزایش می‌دهد. بر همین قیاس، امروز نیز می‌توان با تجمیع وظایف شوراهای عالی مرتبط با حکمرانی دیجیتال در یک نهاد عالی واحد زیر نظر مقام معظم رهبری (برای بهره‌گیری از ضمانت اجرای فرامین رهبری)، تورم ساختاری را کاهش داد. البته این تصمیم باید با بررسی دقیق پیامدهای قانونی هر ادغام و اخذ فرمان رهبری برای تغییر مأموریت شوراهای منصوب ایشان صورت گیرد.

۳.اصلاح ساختار تنظیم‌گران بخشی و به‌روزرسانی قوانین پایه: در لایه‌ی اجرایی، لازم است وظایف سازمان‌های تنظیم‌گر بخشی بازبینی و در صورت لزوم تجمیع یا تفکیک شوند. برای مثال، در حوزه‌ی محتوای فضای مجازی دو نهاد ساترا (وابسته به صداوسیما) و وزارت ارشاد عملاً خود را متولی می‌دانند که موجب بروز تعارض شده است. باید روشن گردد کدام نهاد مسئول صدور مجوز و نظارت بر پلتفرم‌های صوت و تصویر آنلاین است و دیگری صرفاً نقش هماهنگی یا حمایتی دارد. یا در حوزه‌ی مقررات‌گذاری خدمات آنلاین، «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی» (مستقر در مرکز ملی فضای مجازی) و سازمان تنظیم مقررات ارتباطات (رگولاتوری وزارت ارتباطات) نیازمند

تعیین حدود صلاحیت دقیق‌تر هستند تا بایکدیگر تداخل پیدا نکنند. علاوه بر تنظیم‌گران، قوانین پایه‌ای فضای مجازی ایران نیز نیازمند روزآمدسازی‌اند. قانون «جرائم رایانه‌ای» مصوب ۱۳۸۸ و قانون «تجارت الکترونیکی» مصوب ۱۳۸۲ در زمان خود مفید بوده‌اند؛ اما امروز با ظهور شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های اقتصاد دیجیتال، رمزارزها و هوش مصنوعی بسیاری از چالش‌های نوین را پوشش نمی‌دهند. برای نمونه، قانون جرائم رایانه‌ای ۱۳۸۸ فاصله‌ی زیادی با زندگی آنلاین امروز دارد و در زمان تصویب آن پلتفرم‌های امروزی وجود نداشته‌اند. نتیجه این عقب‌ماندگی، فقدان ضمانت‌های قانونی کافی (مانند مجازات ناکافی برای نفوذ به داده‌های کاربران) و خلأ در برخورد با جرایم نوظهور است؛ بنابراین بازنگری فوری این قوانین جهت تطبیق با فناوری‌های جدید (نظیر جرایم سایبری نوین، حفاظت داده‌ها و جرایم حوزه هوش مصنوعی) ضروری است. به طور خلاصه، چارت نهادی تنظیم‌گری باید مهندسی مجدد شود و قوانین مادر حوزه‌ی دیجیتال به‌روز گردند تا ساختار اجرایی کشور توان پاسخ‌گویی منسجم به تحولات را داشته باشد.

۴.مشارکت مستقیم ذی‌نفعان خصوصی و مردمی در حکمرانی: یکی از دلایل شکل‌گیری شکاف میان تصمیم‌گیران و واقعیت‌های فضای مجازی، کم‌رنگ بودن صدای بخش خصوصی، نخبگان دانشگاهی و کاربران عادی در فرایند سیاست‌گذاری است. برای رفع این مشکل، باید سازوکارهایی برای نمایندگی مستقیم ذی‌نفعان طراحی شود. به‌عنوان گام نخست می‌توان تشکیل شوراها یا کمیته‌های مشورتی دائمی زیر نظر نهادهای تنظیم‌گر را در دستور کار قرار داد که نمایندگان صنوف بخش خصوصی، کارشناسان مستقل، انجمن‌های کاربران و سازمان‌های مردم‌نهاد در آن حضور داشته باشند. این نمایندگان می‌توانند در تدوین پیش‌نویس مقررات، پایش پیامدهای اجرای آن‌ها و ارائه‌ی بازخورد به حاکمیت نقشی فعال داشته‌باشند.

تجربه‌ی حکمرانی اینترنت در جهان نشان می‌دهد که حضور همه‌ی ذی‌نفعان (از دولت و کسب‌وکارها گرفته تا جامعه مدنی و دانشگاهیان) در فرایند تصمیم‌گیری، به تصمیماتی متوازن‌تر و قابل‌اجراتر منجر می‌شود. حتی می‌توان اندیشید که برخی کرسی‌های حق رأی در کمیسیون‌های تنظیم مقررات به نمایندگان انتخابی اصناف یا انجمن‌های کاربری اختصاص یابد تا مشارکت، ساختاری و نهادینه شود. به‌موازات آن، تقویت نهادهای مردم‌نهاد فعال در حوزه‌ی فضای مجازی و برقراری روندهای شفاف نظرخواهی عمومی پیش از تصویب مقررات مهم، اعتماد و مشروعیت سیاست‌ها را افزایش

خواهد داد. این رویکرد مشارکتی کمک می‌کند سیاست‌گذار به‌جای رویکرد آمرانه و یک‌سویه، با اقناع و اجماع‌سازی میان ذی‌نفعان حرکت کند و در نتیجه اجرای مصوبات با کمترین مقاومت و بیشترین همکاری در حوزه‌ی عمومی همراه باشد.

۵. ایجاد سازوکار هماهنگی بین‌دستگاهی مستمر: علاوه بر اصلاحات ساختاری فوق، لازم است یک مکانیسم نهادی برای هماهنگی مداوم بین دستگاه‌های درگیر در حکمرانی سایبری ایجاد شود. پیشنهاد می‌شود یک کمیته‌ی عالی هماهنگی فضای مجازی زیرنظر مستقیم بالاترین مقام کشور (مثلاً معاون اول رئیس‌جمهور یا شورای‌عالی امنیت ملی با نماینده‌ی ویژه‌ی مقام معظم رهبری) تشکیل گردد. این کمیته متشکل از رؤسا یا نمایندگان تام‌الاختیار تمامی نهادهای دخیل (از وزارتخانه‌های ارتباطات، ارشاد، اطلاعات و صمت گرفته تا دستگاه قضایی، صداوسیما، پلیس فتا و مرکز ملی فضای مجازی) خواهد بود و وظیفه دارد تصمیمات و سیاست‌های نهادهای مختلف را به طور فرابخشی همسو کند.

این نهاد باید اختیارات کافی برای حل‌وفصل اختلافات بین سازمانی، رفع موازی‌کاری‌ها و پایش اجرای یکپارچه‌ی مصوبات را داشته باشد. الگوی چنین کمیته‌ای در برخی کشورها دیده می‌شود؛ به عنوان نمونه، در ایالات متحده مدیر ملی سایبری کاخ سفید با تشکیل کارگروه‌های میان‌سازمانی، بر اجرای هماهنگ استراتژی سایبری توسط تمامی آژانس‌های فدرال نظارت کرده و کارآمدی اقدامات آن‌ها را ارزیابی می‌کند. در چین نیز کمیسیون مرکزی فضای مجازی به ریاست شخص اول کشور نقش هماهنگ‌کننده‌ی عالی را بین وزارتخانه‌ها ایفا می‌کند. به همین قیاس، در ایران وجود یک مرجع هماهنگی فرادستگاهی با پشتوانه‌ی قانونی و سیاسی بالا، باعث خواهد شد که حتی پس از فرایند ادغام و بازتعریف وظایف، اگر اختلاف جدیدی بروز کرد سریعاً حل شود و همه‌ی دستگاه‌ها در چارچوب نقشه‌ی راه واحدی حرکت کنند.

این کمیته می‌تواند به صورت مستمر (مثلاً ماهانه) تشکیل جلسه داده و گزارش عملکرد هر بخش در اجرای مصوبات شورای‌عالی فضای مجازی و قوانین مرتبط را بررسی کند و در صورت مشاهده تعارض یا قصور، اقدامات اصلاحی یا تنبیهی لازم را مصوب نماید. ضمانت اجرای مصوبات این کمیته نیز باید توسط بالاترین سطوح (حکم رهبری یا تصویب در شورای امنیت ملی) تأمین شود تا دستگاه‌ها ملزم به تبعیت از آن باشند.

در مجموع، اجرای ترکیبی از اقدامات فوق می‌تواند ساختار حکمرانی فضای مجازی ایران را از وضعیت پراکندگی کنونی به سمت انسجام و کارآمدی سوق دهد. تجارب کشورهایی چون انگلستان، روسیه، چین، ترکیه و ایالات متحده نشان داد که یا باید نهادهای موازی را در هم ادغام کرد، یا در صورت تکثر نهادها، از طریق هماهنگی مستمر و مشارکت ذی‌نفعان از تداخل آن‌ها جلوگیری نمود. نقطه‌ی مشترک تمامی الگوهای موفق، وجود یک نقشه‌ی راه واحد و شفافیت در توزیع مسئولیت‌ها است. با درس‌آموزی از این تجارب و اعمال اصلاحات پیشنهادی (از به‌روزرسانی قوانین تا بازطراحی نهادها) می‌توان امید داشت حکمرانی فضای مجازی در کشور، هم‌سو با تحولات پرشتاب فناوری و نیازهای جامعه، چابک‌تر، منسجم‌تر و پاسخگوتر عمل کند. این امر نه‌تنها از اتلاف منابع و کشمکش‌های درونی می‌کاهد، بلکه زمینه‌ساز تحقق بهتر اهدافی مانند صیانت از فرهنگ و امنیت ملی در کنار توسعه‌ی اقتصاد دیجیتال و نوآوری خواهد شد.

در نهایت، تحقق حکمرانی کارآمد و هم‌افزای فضای مجازی در گرو تدوین و تصویب یک سند جامع تنظیم‌گری فضای مجازی است؛ سندی که به‌صورت شفاف و نظام‌مند، حدود وظایف، اختیارات، قلمرو عملکرد، سازوکار هماهنگی و روابط میان نهادهای سیاست‌گذار، تنظیم‌گر، قضایی و بخش خصوصی را تعیین کند. چنین سندی که با الهام از تجارب بین‌المللی و متناسب با اقتضائات بومی تهیه می‌شود، می‌تواند مبنایی برای اصلاحات ساختاری، کاهش تداخلات نهادی و تضمین انسجام در تصمیم‌گیری‌های حوزه‌ی حکمرانی دیجیتال کشور باشد. این سند باید در اسرع وقت توسط مرجع ذی‌صلاح و با اجماع میان‌نهادی تدوین و نهایی گردد.

جمع‌بندی

پژوهش حاضر با هدف واکاوی ساختار تنظیم‌گری فضای مجازی در ایران، ضمن ترسیم تصویری دقیق از بازیگران متعدد و نقش‌های نهادی آنان، به بررسی چالش‌های اساسی مانند تداخل وظایف، تعارض منافع، خلأهای تقنینی، ضعف هماهنگی اجرایی و فقدان مشارکت ذی‌نفعان پرداخته و در نهایت، راهکارهایی برای برون‌رفت از این وضعیت ارائه کرده است.

در حال حاضر، حکمرانی فضای مجازی در کشور با نوعی تورم نهادی و پراکندگی اختیارات مواجه است که نه‌تنها باعث کاهش اثربخشی سیاست‌ها می‌شود، بلکه مشروعیت و مقبولیت اجتماعی آن‌ها را نیز تضعیف کرده است. تجربه جهانی نشان می‌دهد کشورهایی که با رویکردی منسجم و مشارکتی، ساختارهای تنظیم‌گری را بازطراحی کرده‌اند، توانسته‌اند به تعادل مؤثری میان توسعه فناوری، صیانت فرهنگی و امنیت ملی دست یابند.

بر همین اساس، تدوین یک سند جامع تنظیم‌گری فضای مجازی که در آن حدود وظایف و اختیارات نهادها، قلمرو عملکرد، نحوه تعامل افقی و عمودی، سازوکار هماهنگی بین دستگاهی، و جایگاه نمایندگان ذی‌نفعان مردمی به‌صورت شفاف تعیین شده باشد، اقدامی ضروری، فوری و بنیادین تلقی می‌گردد. این سند باید با پشتوانه‌ی حقوقی کافی، تحت‌نظر یک نهاد فرادستگاهی و با اجماع نهادهای درگیر تهیه شود تا به‌عنوان نقشه راه واحد و بلندمدت، بستر تحول در حکمرانی فضای مجازی کشور را فراهم آورد.

در نهایت، دستیابی به حکمرانی دیجیتال کارآمد، نیازمند عبور از نگاه بخشی، تقویت رویکرد کل‌نگر، و پذیرش نقش فعال جامعه‌ی مدنی و بخش خصوصی است؛ چراکه فضای مجازی، عرصه‌ای عمومی، سیال و مشارکتی است که تنظیم آن تنها از مسیر هم‌افزایی، شفافیت و پاسخ‌گویی نهادی ممکن خواهد بود.

QUICK
ANSWER

دفترهای خاکستری

این دفترها برای پاسخ علمی سریع، مختصر و دقیق به مسئله‌ها و نیازهایی تهیه و تَولید می شود که در حین فعالیت مرکز ملی فضای مجازی و سایر دستگاه ها پیش آمده و به بررسی دقیق و در عین حال سریع نیاز دارند.



پژوهشگاه
فضای مجازی